

جنایت برای قدرت



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء

محمد مصطفی و آل طاهرینش

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۚ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

و آن زمان را یاد آر که پروردگارت به فرشتگان گفت: به یقین جانشینی در زمین قرار می دهیم. گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می دهی که در آن به فساد و تباهی برخیزد و به ناحق خون ریزی کند و حال آن که ما تو را همواره با ستایش تسبیح می گوئیم و تقدیس می کنیم. [پروردگار] فرمود: من [از این جانشین و قرار گرفتنش در زمین اسراری] می دانم که شما نمی دانید.

وقتی خدا خواست ادم رو خلق کنه ملائکه اعتراض کردند چون می دانستند در بین انسان ها ادمای خونخواری پیدا میشود که در زمین فساد می کنند و جنایت ها مرتکب میشوند.

متأسفانه عده ای از ادمها بجای اینکه عبد خدا باشند عبد شیطان هستند و به همین دلیل اعمال شیطانی زیادی را انجام می دهند

یکدسته از آنها کسانی هستند که برای کسب قدرت جنایتها مرتکب میشوند و کارهای خیلی بدی می کنند.

در این کتاب درباره این موضوع مطالب متنوعی آورده شده است.

تابستان 1405. کرمانشاه

یکی از ویژگی‌های کسب قدرت غیر الهی اینه که منجر به جنایت و ازار و اذیت دیگران میشود. در حالی که کسی که مومن و الهی است اگر به قدرت هم برسه باز مانند یک ادم عادی با دیگران رفتار می کنه و برای کسب قدرت هیچ کار خلافی انجام نمی دهد.

به عنوان نمونه

یه زمانی رهبر شهیدمون رئیس جمهور بودن حضرت امام زنده بودند و دیگه داشت رئیس جمهوری ایشون تمام می شد با ایشون مصاحبه کردن گفتن شما دو دوره رئیس جمهور بودید بعد از ریاست جمهوری می خواید چیکار بکنید رهبر شهید فرمودند که من دوست دارم کارهای فرهنگی بکنم ولی هرچی امام بگه. حتی اگر امام بگه برو بشو رئیس عقیدتی سیاسی ژاندارمری زابل

من حاضرم برم بشم رئیس عقیده سیاسی ژاندارری این شهر. تا این حد دنبال قدرت اینا نبودن یا حضرت امام می گفت به من نگید رهبر من یه طلبه‌ام من خدمتگزارم...

ولی وای از آدمایی که به خاطر قدرت چه کارهای بدی که نکردند!

قابیل وقتی که فهمید که برادرش هابیل می‌خواهد جانشین باباش بشه از طرف خدا برادرشو کشت اگه برید سوریه قبر هابیل اونجاست تو سوریه است اونجایی که محل کشتن.

هابیل مظلوم بوده اونجا در سوریه است

یا حضرت یحیی در معبد داره عبادت می‌کنه پادشاه وقتی می‌بینه این مخالفشه میگه برید در هر حالی که هست سرشو جدا کنید حضرت یحیی که خدا در قرآن میگه: **سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا**؛ سلام بر او در روزی . که به دنیا آمد، روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود

خدا بهش سلام کرده اما برا قدرت بدستور پادشاه سرشو بریدن

همچنین ۱۱ امام ما را هم به خاطر قدرت کشتن

مثلا هارون با دو پسرش مامون و معتصم سه تا امامو کشتن هارون امام کاظم (ع) و کشت شهید کرد مامون امام رضا (ع) رو شهید کرد و معتصم برادر مامون امام جواد (ع) را شهید کرد سه تا امام رو این پدر و دو پسر کشتن! حالا مگه چند سال ریاست کردند!

یا عمر سعد تو برای ریاست بجنگ امام حسین (ع) رفت!

حضرت به عمر سعد فرمود از گندم ری نمی خوری. عمر سعد مسخره کرد امامو گفت اگه از گندمش نخورم از جوش می خورم اما نه از گندمش خورد نه از جوش خورد همونطور که ترامپ به توافقش عمل نکرد ابن زیادم به توافقش با . عمر سعد که گفت اگر امام حسینو بکشی حکومت ری رو بت میدم عمل نکرد یا پهلویی ها چه کردن با این مردم با این علمای ما چه کردند آقای طالقانی رو. یه سید اولاد پیامبر رو از اول شب تا صبح شکنجه می کردند... ناخونای مبارزین همه رو با انبر دست می کشیدن

تمام ناخن اونا رو یکی از آقایون امام جمعه به من گفت من اول انقلاب از طرف امام ماموریت پیدا کردم گویا از زندان اوین بازدید کنم بینم اونجا چه مشکلاتی داره در یک کمده باز کردیم پر ناخن بود ناخن هایی که از مبارزین کشیده بودند ... آیت الله حائری شیرازی می گفت منو آویزون می کردن شکنجه می کردن همین حاج آخوند کرمانشاهی بوده ایشون چقدر زندانش کردن آقای زرنندی رو چند بار زندان کردن

آقای زرنندی پسرش میگفت پدر من که زندان بود به زندانبان گفتش که ناخنم بزرگ شده یک ناخن گیری بیار ناخونامو بگیرم. گفت ناخوناتو با دندونات بگیر

حضرت امام رو زندانی کردن تبعید کردن برای قدرت برای ریاست چند سال
حالا ۳۷ سال محمد محمدرضا و رضاخان بیست سال پادشاهی کردند!

. آیا می‌ارزید

الان اینا در قبر نکیر و منکر دارن مشق و مالشون میدن تا روز قیامت روز قیامت
هم که دیگه عذاب جهنم است اگر کسی عبد خداست هیچ وقت برای ریاست
کسی را اذیت نمی‌کنه چه برسه که بکشه

مثلاً تیمور میگن قرآن هم از اول به آخر می‌خوند هم از آخر به اول با هفت
قرائت می‌خونه تیمور لنگ از سر مردم از سرها تپه درست می‌کرد از سرشونا تپه
درست می‌کردن

. یا هیتلر

برای ریاست ۸۰ میلیون نفر از مردم دنیا مخصوصاً از چین و از شوروی کشت ۸۰
میلیون نفر گفتن نیروهای متفقین نزدیک برلین رسیدن اول به معشوقه اش گفت
خودتو بکش بعدم خودش با کلت خودکشی کرد و چیزی گیرش نیامد
یا صدام ۲ میلیون نفر و کشت هنوزم قبرهای گورهای دسته جمعی تو عراق پیدا
می‌شه همه برای ریاست و قدرت بوده است...

یا دولت امریکا و اسرائیل که کارنامه قطوری در کشتار بی گناهان دارند. همه
برای کسب قدرت بیشتر بوده است

علت اینهمه جنایت اینا این بود که اینا عبد خدا نبودن اگر عبد خدا کسی باشه
که نمیداد ادم بکشه!

یا الان توی ادارات ما

برای ریاست بعضی ها چه ها که نمی کنند! می بینی به این طرف تهمت
می زنند! دروغ می کنند! پشت سرش غیبت می کنند! مسخره اش می کنن ۱۰۰ تا نامه
دروغ می فرستن تهران که این کارمند این فلانه بهمانه! برای اینکه اونو بزنی کنار
خودش. ن. بشند رئیس! گاهی افرادی پاچه خواری می کنن مثلاً پاچه خواری
نمایند رو! خودشونو کوچیک می کنن تا به انها ریاستی بدن!

.

نسل کشی های بزرگ برای کسب قدرت....

طبق تعریف سازمان ملل نسل کشی، می تونه شامل «کشتار، وارد کردن صدمات جدی جسمی یا روانی یا شرایط تهدید کننده زندگی، اقداماتی برای جلوگیری از تولد و انتقال اجباری کودکان باشه

خب با این توصیف و تعریف به نظر میرسه که دور و برمون، تو دنیا پر از این اتفاق هاس که میشه بهشون گفت نسل کشی

اما مشکل، اثبات حقوقی و قضایی این ماجراس که اونقدر سخته که تا الان ۳ تا نسل کشی رسماً تایید شده و بقیه به طور غیررسمی درباره شون حرف زده میشه یا محکوم میشه

حالا در مورد این اتهام، چه کسانی قابل تعقیب؟ کنوانسیون نسل کشی سازمان ملل متحد میگه همه افراد، از جمله رهبران کشورها حتی، می تونند به دلیل ارتکاب نسل کشی مورد تعقیب و مجازات قرار بگیرن

دیوان کیفری بین‌المللی مکلفه که نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت رو بررسی و عاملانش رو به محکمه بکشونه. طبق اساسنامه این دیوان، هر کس مرتکب نسل‌کشی بشه، دستورش رو صادر کنه یا به نسل‌کشی کمک کنه یا تحریک کنه، قابل پیگرد قانونیه.

یک دادگاه جداگانه به اسم «محکمه بین‌المللی دادگستری» در لاهه به اختلافات بین دولتی رسیدگی می‌کنه و می‌تواند حکم کنه که دولت‌ها مسئول نسل‌کشی هستن یا نه.

والری گابارد، کارشناس حقوق بین‌الملل در لاهه به دویچه وله گفت: «اغلباً اصطلاح نسل‌کشی به طور ساده توسط مردم برای بزرگ‌ترین و ناگوارترین جنایات استفاده می‌شود؛ زیرا این اصطلاح بدتر از جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت به نظر می‌رسد».

گابارد، که یکی از بنیانگذاران شرکت مشاورتی حقوقی «آپ رایتس» ه گفته که: «اما از نظر قانونی تعریف نسل‌کشی بسیار ظریف است».

اون می‌گه: «این مسأله‌ی تعداد نیست که تعیین می‌کند نسل‌کشی صورت گرفته یا نه؟ قصد نابودی فیزیکی یک گروه، معیار اصلی این جنایات است».

اما کارشناس‌ها می‌کن اثبات این نیت و قصد آسون نیست، چون معمولاً هیچ
مدرکی مستقیمی وجود ندارد.

ویلیام شاباس، استاد حقوق بین الملل هم گفته: «مشکل اثبات نسل‌کشی این است
که به احتمال زیاد مجرمان در دادگاه اعتراف مستقیم نمی‌کنند. بنابراین دادگاه‌ها
باید نیت مرتکبین را از رفتار آن‌ها استنباط کنند. پس شما باید به شواهد
غیرمرتبط اتکاء کنید. و قاعده این است که [اثبات نیت] باید فراتر از شک منطقی
»باشد. اینجا است که کار سخت‌تر می‌شود

نسل‌کشی یا نه؟

در سال‌های اخیر، اصطلاح نسل‌کشی اغلب توسط رهبران سیاسی برای توصیف
خشونت‌ها در چین، میانمار، سوریه و اخیراً اوکراین و حتی جنگ بین اسرائیل و
فلسطین استفاده شده.

چند ماه پیش جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور
روسیه را به دلیل جنایاتی که نیروهای او در اوکراین مرتکب شدن، به ارتکاب
نسل‌کشی متهم کرد.

سال گذشته هم، آمریکا، کانادا و هلند، چین رو به ارتکاب نسل کشی علیه مردم
اویغور در شین جیانگ متهم کردن، در حالی که چند تا کشور دیگه هم
قطعنامه های پارلمانی را با همین اتهام ارائه کردند

با این حال، کارشناسان به سه نسل کشی اشاره می کنند که تا امروز توسط یک
محکمه در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شده است

نسل کشی رواندا، جایی که برآورد می شه حدود ۸۰۰ هزار نفر از اقوام توتسی و
هو تو در نسل کشی ۱۹۹۴ جون خودشون رو از دست دادن

قتل عام ۱۹۹۵ در سربرنیتسا که توسط دادگاه ها به عنوان نسل کشی شناخته شد
و قتل های خمرهای سرخ در کمبوجیا در دهه ۱۹۷۰

در مورد اخیر، بر سر این واقعیت که خیلی از قربانیان خمرهای سرخ به دلیل
موقعیت سیاسی یا اجتماعی شان هدف قرار گرفتند - که این کشتار را خارج از
تعریف سازمان ملل از نسل کشی قرار می ده - اختلاف نظر وجود داره

در سال ۲۰۱۰، دیوان کیفری بین المللی حکم بازداشت عمر البشیر، رئیس
جمهور سودان را به اتهام نسل کشی صادر کرد و او را به راه اندازی خشونت علیه
شهروندان منطقه دارفور متهم کرد. این شاید یه نمونه جالب و نادر باشه
به همین بهانه بیاید نگاهی بکنیم به چند تا از نسل کشی های بزرگ دنیا. البته

تعدادشون خیلی بیشتر از این چیزیه که توی این ویدیومی بینید. اما خب چند تا رو
انتخاب کردم که درباره شون حرف بزنیم

نسل کشی ارامنه

نسل کشی ارامنه که به اسم هولوکاست ارامنه هم شناخته میشه، یکی از
غم‌انگیزترین قسمت‌های قرن بیستمه. از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳ در داخل مرزهای
امپراتوری عثمانی این نسل کشی اتفاق افتاده و منجر شده به تبعید دسته جمعی،
راهپیمایی‌های اجباری، و قتل عام جمعیت ارمنی اون زمان

مردم ارمنی، هزاران سال در این منطقه زندگی می کردن و در اواخر قرن
نوزدهم، دیدن که در مرزهای امپراتوری در حال فروپاشی عثمانی سامان پیدا
کردن و اونجان

امپراتوری رو به زوال بود و با بی ثباتی سیاسی، مشکلات اقتصادی و شکست‌های
نظامی مواجه بود. جمعیت ارمنی عمدتاً مسیحی، در یک امپراتوری عمدتاً
مسلمان، مورد سوءظن مقامات عثمانی بود. و خب داستان هم از همینجا
شروع میشه

ریشه‌های نسل کشی ارمنه را میشه در ترکیبی از عوامل مختلف دنبال کرد. ناسیونالیسم و ظهور گروه “ترک‌های جوان” که در سال ۱۹۰۸ سلطان عثمانی را سرنگون کرد، نقش مهمی ایفا کرد. ترک‌های جوان به دنبال ایجاد یک دولت تُرکِ همگن بودند و به ارمنی‌های مسیحی به عنوان یک مانع نگاه می‌کردند. اختلافات مذهبی و قومیتی، اختلافات زمینی و منافع اقتصادی شد بهانه‌ای برای درگیری‌های متعدد و زیاد.

دولت عثمانی تحت پوشش جنگ جهانی اول، اجرای طرحی سیستماتیک برای از بین بردن جمعیت ارمنی را شروع کرد.

اولین موج تبعید و کشتار در آوریل ۱۹۱۵ شروع شد. ارمنه به اجبار از خانه‌های خود کوچانده شدند و خیلی از آنها تحت بیگاری قرار گرفتند. این تبعیدها اغلب به معنای راهپیمایی‌های طولانی و مرگبار در صحرا بود، جایی که مردم از خستگی، گرسنگی و خشونت جان خود را از دست دادند.

مقیاس نسل کشی ارمنه همیشه موضوع بحث بوده و یه عده‌میگن اتفاق افتاده و یه عده هم میگن نه و اینطوری هم نبوده و فلان و بهمان.

اما اونهایی که معتقدن این اتفاق افتاده، برآورد تعداد کشته شده‌ها رو تقریباً معادل 1/5 میلیون نفر ارمنی تخمین می‌زنن.

در جریان نسل کشی و بعد از آن، گزارش‌ها و شهادت‌های مختلفی به جامعه جهانی رسید. سفیر ایالات متحده در امپراتوری عثمانی، هنری مورگنتاو پدر، نقش مهمی در مستندسازی و افشای این جنایات ایفا کرد.

با این حال، علیرغم آگاهی بین‌المللی، مداخله کمی برای توقف خشونت صورت گرفت. واکنش جهانی محدود بود، که خب تا حدی به دلیل ادامه جنگ جهانی اول و نگرانی‌های مرتبط با اون بود.

بعد از پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، عاملان نسل کشی ارامنه پاسخگو نبودند. جمهوری مدرن ترکیه به رهبری مصطفی کمال آتاتورک نسل کشی را انکار کرد و سعی کرد آن را از اسناد تاریخی پاک کند.

تا به امروز، نسل کشی ارامنه یک موضوع بحث‌برانگیز باقی مانده. ترکیه به شدت وقوع یک نسل کشی رو رد می‌کند و استدلال می‌کند که این مرگ‌ها در نتیجه‌ی شرایط زمان جنگ بوده.

از اون طرف، خیلی از کشورها، تاریخدان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله پارلمان اروپا، سازمان ملل متحد و ۳۲ کشور، این رویداد را به عنوان نسل کشی به رسمیت شناخته‌ن.

به رسمیت شناختن نسل کشی ارامنه یک نقطه اختلاف قابل توجه در روابط

ترکیه و ارمنستان و دیپلماسی بین‌المللی است.

نسل‌کشی ارمنه تأثیر عمیق و ماندگاری بر مردم ارمنی گذاشت. این اتفاق منجر به پراکندگی ارمنه در سراسر جهان شد و تعداد زیادی جوامع دیاسپورا را تشکیل دادند.

دیاسپورا یعنی چی؟

(Diaspora: به انگلیسی) جوامع دور از میهن، جوامع دور از وطن یا دیاسپورا به پراکندگی، مهاجرت یا آوارگی گروهی از مردم می‌گن که دور از خونه و وطن اصلی خودشون زندگی می‌کنند و در دنیا پراکنده شدن. این واژه ریشه در متون یهودی داره و به ماجرای خروج یهودیان از بابل اشاره می‌کنه.

اما اخیراً معنای این واژه بسط پیدا کرده و به پراکندگی گروهی از مردم گفته میشه که ریشه‌های مشترکی دارن و از خونه و موطنشون روند شده یا فرار کرده‌اند.

به هر حال، نسل‌کشی ارمنه یک رویداد تاریخی عمیقاً حساس و بحث‌برانگیز باقی‌مونده که پیامدهایی هم برای ارمنه و هم برای ترک‌ها و همینطور پیامدهایی برای درک جهانی حقوق بشر و پیشگیری از نسل‌کشی داره.

هولودومور

نمیدونم تا حالا اصطلاح کشتن از طریق گرسنگی یا مرگ بر اثر گرسنگی دادن رو شنیدید یا نه. بذارید اینطوری تعریف کنم که فرض کنید شما به صورت مصنوعی در منطقه‌ای بتونید قحطی درست کنید، غذا و دام رو کنترل کنید تا عده‌ای در اثر این فشار از گرسنگی بمیرن. کشتن از طریق گرسنگی دادن یعنی همین.

این موضوع در اوکراینِ زمانِ استالین اتفاق افتاده و بهش می‌گن هولودومور. قبلاً درباره‌ش مفصل حرف زدم که می‌تونید ویدئوش رو این بالا لینکش رو ببینید یا توی توضیحات پایین ویدیو پیدا کنید.

هولودومور یا همون قحطیِ انسان‌ساز که در سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۳ در اوکراین رخ داد، نتیجه سیاست‌های دولت شوروی استالین بود که منجر به مرگ میلیون‌ها اوکراینی شد.

برای ارائه یک نمای کلی از این نسل‌کشی، بیاید به تاریخ، علل، رویدادها و تأثیر ماندگار اون نگاه کنیم.

هولودومور در چهارچوب گسترده‌تر شوروی و سیاست‌های استالین رخ داد. در تلاش برای تحکیم کنترل بر کشاورزی و اقتصاد، دولت شوروی به دنبال حذف

کشاورزی خصوصی و جایگزینی آن با مزارع جمعی بود. این سیاست به ویژه در اوکراین که به "سبد نون" اتحاد جماهیر شوروی معروفه، وحشیانه بود

عوامل متعددی در هولوکودومور نقش داشته‌ن. اولاً، جمع‌سازی اجباری کشاورزی، شیوه‌های کشاورزی سنتی را مختل کرد و به مقاومت دهقانان اوکراینی منجر شد، که اغلب مخالف واگذاری زمین و دام‌هاشون بودند.

استالین این مقاومت را تهدیدی برای قدرت شوروی تلقی کرد و کارزاری رو برای شکستن روحیه دهقانان و سرکوب مخالفت‌ها شروع کرد

دولت شوروی یک سری سیاست‌ها را اجرا کرد که مستقیماً به قحطی منجر شد. غلات و بقیه محصولات کشاورزی برای صادرات به کشورهای غربی، به ویژه برای تامین مالی صنعتی شدن الزامی شد. در همین حال، دهقانان اوکراینی بدون غذای کافی باقی موندن. مقامات شوروی سهمیه‌بندی غلات سختگیرانه‌ای وضع کردن، مواد غذایی رو از خانوارها مصادره کردند و مجازات‌های سختی رو برای پنهان کردن غلات یا دام گذاشتن

اقدامات دولت شوروی شامل بستن مرزهای اوکراین برای جلوگیری از حرکت مردم در جستجوی غذا و استفاده از سیستم گذرنامه‌های داخلی برای محدود

کردن دسترسی به مراکز شهری بود. گرسنگی به عنوان ابزاری برای شکستن مقاومت دهقانان اوکراینی و وادار کردن آنها به جمع‌سازی استفاده می‌شد.

هولودومور منجر به تلفات بسیار زیادی شد. تخمین‌ها از تعداد کشته‌شده‌ها خیلی متفاوت‌ه. اما عموماً اعتقاد بر این‌ه که میلیون‌ها اوکراینی در این دوره کشته شدند.

رقم دقیق همچنان موضوع بحث‌ه و بین ۳ تا ۵ میلیون مرگ و میر متغیره.

جهان عمدتاً از میزان رنج اوکراین در جریان هولودومور بی‌اطلاع بود. دولت شوروی به شدت وجود قحطی را رد کرد و اطلاعات را دستکاری کرد تا تصویر نادریست از فراوانی در کشور ارائه کنه.

روابط دیپلماتیک بین‌المللی در قایم کردن حقیقت هم نقش داشت. چون بعضی از کشورهای غربی، از جمله آمریکا، به دنبال به رسمیت شناختن دیپلماتیک دولت شوروی بودن و میزان قحطی رو کم اهمیت جلوه دادند.

هولودومور اثرات مخرب و طولانی مدتی بر اوکراین داشت. زخم‌های عمیقی بر حافظه جمعی مردم اوکراین بر جای گذاشت و روابط بین اوکراین و دولت شوروی را تیره کرد. آسیب هولودومور، همراه با تاریخ گسترده‌تر سرکوب شوروی، به تلاش اوکراین برای استقلال کمک کرد، که در نهایت در سال ۱۹۹۱ پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی به آن دست یافت.

به رسمیت شناختن هولوکامور به عنوان یک نسل کشی هنوز یک موضوع بحث برانگیزه. اما خب خیلی از کشورها و سازمان های بین المللی، آن را به رسمیت شناخته‌ن.

در سال ۲۰۰۶ اوکراین رسماً هولوکامور را به عنوان یک نسل کشی علیه مردم اوکراین اعلام کرد. با این حال، دولت روسیه و برخی از محققان هنوز در توصیف قحطی به عنوان یک نسل کشی مخالفن و اغلب اون را به دلایل طبیعی یا سیاست های کلی شوروی نسبت میدن

هولوکامور یادآور عواقب حکومت استبدادی و تأثیر ویرانگر قحطی های ساخته دست بشره و بر اهمیت درک و تصدیق جنایات تاریخی برای جلوگیری از تکرار اونها و تضمین عدالت برای قربانی ها تاکید می کنه.

نسل کشی یهودیان یا هولوکاست

هولوکاست یکی از تاریک ترین و غم انگیزترین فصل های تاریخ بشریت است، نسل کشی که از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در طول جنگ جهانی دوم رخ داد

یک کمپین سیستماتیک و تحت حمایت دولت برای خشونت و نابودی که توسط آلمان نازی و همکارانش انجام شد و منجر به قتل تقریباً ۶ میلیون یهودی و

هزاران انسان بی گناه دیگه شد

برای درک کامل این رویداد هولناک، باید تاریخچه، علل، رویدادها و تأثیر
ماندگار آن جستجو کنیم

هولوکاست در دوران جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد. جنگ جهانی ای که در سال
۱۹۳۹ با حمله آلمان به رهبری آدولف هیتلر و حزب نازی به لهستان آغاز شد.
دیدگاه هیتلر از "نژاد برتر" و آریایی ها منجر به آزار و اذیت و نابودی
سیستماتیک کسانی شد که او از نظر نژادی، قومی یا سیاسی نامطلوب
میدونستند.

چندین عامل کلیدی در هولوکاست نقش داشتند که می توانم به چندتا شون
اینطوری اشاره کنم: یهودی ستیزی ریشه دار، سابقه طولانی تبعیض و تعصب
علیه یهودیان، ایدئولوژی نازی در مورد خلوص و برتری نژادی، و جاه طلبی های
سیاسی رژیم نازی

هیتلر و نازی ها بر این باور بودن که جمعیت یهودی تهدیدی قابل توجه برای
دیدگاه آنها از نظم نوین جهانیه

نازی ها طیف وسیعی از سیاست ها و روش ها رو برای اجرای هولوکاست اجرا
کردند. این کارها شامل قوانین نورنبرگ (۱۹۳۵) بود که یهودیان را از حقوق

مدنی محروم کرد؛ دو قانون مهمش جداسازی اجباری، و مصادره سیستماتیک اموال یهودی‌ها بود. همه این قوانین تو سال ۱۹۴۱ با گسترش قلمرو آلمان، کشتار دسته جمعی یهودیان رو تشدید کرد.

با کشتار دسته جمعی یهودیان از طریق روش‌های مختلف، از جمله هولوکاست تیراندازی دسته‌جمعی، اردوگاه‌های کار اجباری و اردوگاه‌های کشتار مشخص می‌شود.

اردوگاه‌های کار اجباری مثل آشویتس، داخائو و بوخنوالد زندانیان را در شرایط وحشیانه نگهداری می‌کردند و آنها را در معرض کار اجباری، گرسنگی و آزمایش‌های پزشکی قرار می‌دادند.

اردوگاه‌های کشتار مانند آشویتس-بیرکناو به طور خاص برای کشتار دسته جمعی با استفاده از اتاق‌های گاز طراحی شده بودند.

تعداد کشته شدگان هولوکاست حدود شش میلیون یهودی از جمله مردان، زنان و کودکان تخمین زده می‌شود. علاوه بر یهودیان، نازی‌ها گروه‌های دیگری از جمله افراد معلول، مخالفان سیاسی، همجنس‌گرایان و گروه‌های دیگر را هدف قرار دادند.

پایان جنگ جهانی دوم نشان دهنده آزادسازی اردوگاه‌های کار اجباری و کشتار توسط نیروهای متفقین بود که با وحشت هولوکاست مواجه شدند. محاکمه نورنبرگ که در سالهای ۱۹۴۵-۱۹۴۶ برگزار شد، با هدف محاکمه جنایتکاران جنگی نازی انجام شد. محاکمه‌ها چارچوب قانونی را برای تعقیب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت ایجاد کردند.

در سال‌های بعد از جنگ، یادآوری و به رسمیت شناختن هولوکاست به مرکز آگاهی بین‌المللی تبدیل شد. بازماندگان هولوکاست تلاش کرده‌اند تا اطمینان حاصل کنند که یاد قربانیان و درس‌های هولوکاست حفظ می‌شود و از آن درس گرفته می‌شود.

تأثیر هولوکاست غیرقابل اندازه‌گیری و درک جهانی از نسل‌کشی، حقوق بشر و خطرات نفرت کنترل نشده را شکل می‌دهد. خاطره هولوکاست نقش مهمی در ایجاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعهد بین‌المللی برای جلوگیری از چنین جنایاتی در آینده داشته است.

هولوکاست یک رویداد هولناک و عمیقاً غم‌انگیز است که به عنوان یادآوری تلخ از ظرفیت شر در درون بشریت عمل می‌کند. تصدیق این تاریخ برای اطمینان

از فراموش نشدن درس‌های هولوکاست و این که جهان در برابر تعصب، تبعیض و نفرت هوشیار باقی بماند، ضروری است.

نسل‌کشی رواندا

نسل‌کشی رواندا، یک کشتار جمعی وحشیانه و سریع، در بهار ۱۹۹۴ مشخص شد و یکی از تاریک‌ترین قسمت‌های تاریخ معاصر را رقم زد. در طول تقریباً ۱۰۰ روز، حدود ۸۰۰ هزار توتسی و هوتوهای میانه‌رو در یک کارزار خشونت‌شدید و نفرت‌قومی کشته شدند.

ریشه‌های نسل‌کشی رواندا را می‌شه در دوره مستعمره بودن رواندا تحت حاکمیت بلژیک جستجو کرد. بلژیکی‌ها سیستم طبقه‌بندی قومی‌ای رو پیاده‌سازی کردن که جمعیت را به دسته‌های توتسی، هوتو و توا طبقه‌بندی می‌کرد. این سیستم بعداً مبنایی برای تقسیم و تبعیض بود. پس از استقلال در سال ۱۹۶۲، تنش‌های قومی با شیوع دوره‌ای خشونت همچنان ادامه داشت.

دلایل این نسل‌کشی رواندا را می‌شه در شکاف‌های قومی طولانی مدت، درگیری‌های سیاسی و نابرابری‌های اقتصادی جستجو کرد. اکثریت جمعیت هوتو قدرت را در دست داشتند، در حالی که توتسی‌های اقلیت، به طور سنتی مورد حمایت حاکمان استعماری قرار داشتند.

وقتی که هواپیمای حامل جوونال هابیاریمانا، رئیس جمهور رواندا در ۶ آوریل ۱۹۹۴ سرنگون شد، به عنوان یک محرک عمل کرد و نسل کشی برنامه ریزی شده را شروع کرد.

این نسل کشی توسط عناصر افراطی در دولت و ارتش تحت سلطه هوتوها سازماندهی شد. دولت موقت، به رهبری شخصیت هایی مثل تئودور سندیکوبابو و ژان کامباندا، کارزار خشونت آمیزی را علیه توتسی ها و هوتوهای میانه رو به راه انداخت. برنامه هایی در نفرت پراکنی از رادیو پخش شد و همزمان هم اسلحه بین مردم توزیع می شد.

نسل کشی رواندا با کشتار دسته جمعی، اغلب با استفاده از قمه، چماق و سایر سلاح های دیگر انجام می شد.

توتسی های قومی و هوتوهای میانه رو به طور سیستماتیک شکار می شدند و به قتل می رسیدند. تجاوز جنسی، مثله کردن، و شکنجه هم زیاد شده بود؛ خیلی زیاد.

تخمین زده میشه که حدود ۸۰۰ هزار نفر در طول ۱۰۰ روز کشته شدند. واکنش جامعه بین المللی به نسل کشی رواندا با انفعال و شکست همراه بود؛ طبق معمول.

سازمان ملل متحد در آن زمان یک مأموریت حفظ صلح در رواندا داشت که به

United Nations Assistance شناخته می شد که میشه UNAMIR اسم

، اما تجهیزات ضعیف بود و نیروی انسانی کمی Mission for Rwanda وجود داشت. علیرغم شواهدی مبنی بر کشتار جمعی و درخواست برای مداخله، جامعه بین‌المللی اقدام قاطعی برای توقف نسل‌کشی انجام نداد.

، یک گروه شورشی توتسی به رهبری پل کاگامه، در (RPF) جبهه میهنی رواندا نهایت با شکست دادن دولت تندرو هوتو به نسل‌کشی خاتمه داد. کاگامه رهبر جدید رواندا شد و دولت او تلاش‌هایی را برای آشتی و بازسازی شروع کرد و کشور راه سخت بهبودی و یکپارچگی دوباره رو شروع کرد.

نسل‌کشی رواندا زخم‌های عمیقی بر ملت بر جای گذاشت و میراث آن هنوز جامعه رواندا و آگاهی بین‌المللی را شکل می‌دهد. دولت کمپین یادآوری و آشتی را آغاز کرد. حتی تلاش‌های قابل توجهی برای محاکمه مسئولین نسل‌کشی از جمله از طریق دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا انجام داده نسل‌کشی رواندا پیامدهای گسترده‌ای برای رواندا و جهان داشته. این موضوع به عنوان یادآوری تلخی از خطرات نفرت قومی و پتانسیل خشونت در زمانی که نفرت توسط رهبران سیاسی دامن زده میشه عمل کرده. جامعه بین‌المللی به دلیل عدم مداخله در مواجهه با چنین بحران عظیم انسانی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. ولی همین و هیچی دیگه. همین

نسل کشی بوسنی

نسل کشی بوسنی، که در طول جنگ بوسنی از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ رخ داد، به عنوان شاهدهی تلخ از وحشت خشونت‌های قومی و مذهبی در قلب اروپاست. مشخصه این نسل کشی، کشتار گسترده و سیستماتیک غیرنظامیان بوسنیایی (مسلمان بوسنیایی) و کروات بوسنیایی، و همینطور جنایات دیگه، از جمله تجاوز جمعی، آوارگی اجباری، و پاکسازی قومی بود.

ریشه‌های نسل کشی بوسنی رو میشه در تاریخ پیچیده یوگسلاوی سابق، یک کشور چند قومیتی و چند مذهبی جستجو کرد. بعد از انحلال یوگسلاوی در اوایل دهه ۱۹۹۰، بوسنی و هرزگوین در سال ۱۹۹۲ اعلام استقلال کرد که منجر به درگیری وحشیانه شد.

شکاف‌های قومی و مذهبی که توسط ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی دامن زده میشد، نقش مهمی در نسل کشی بوسنی ایفا کرد. این اتفاق‌ها وقتی افتاد که گروه‌های قومی مختلف، به ویژه بوسنیایی‌ها، کروات‌های بوسنیایی، و صرب‌های بوسنی، برای کنترل دولت تازه استقلال یافته با هم رقابت کردند. برنامه‌های ملی گرایانه رهبران سیاسی، از جمله رادوان کاراجیچ و راتکو ملادیچ، به خشونت و خونریزی کمک کرد.

نسل کشی بوسنی شامل طیفی از سیاست‌ها و تاکتیک‌های نسل کشی بود. نیروهای صرب بوسنی، تحت رهبری شخصیت‌هایی مثل کاراجیچ و ملادیچ، به کشتار دسته جمعی، خشونت جنسی، آوارگی اجباری، و ایجاد اردوگاه‌های بازداشت که در آن بوسنیایی‌ها و کروات‌های بوسنیایی در معرض شرایط غیرانسانی و وحشیانه بودند، دست زدند.

تخمین‌ها در مورد تعداد قربانیان متفاوت است. اما به طور کلی اعتقاد بر این است که نسل کشی بوسنی منجر به مرگ حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر شد. این درگیری منجر به آواره شدن میلیون‌ها بوسنیایی شد و خیلی از آنها مجبور به ترک خانه‌های خودشان در جستجوی امنیت شدند.

واکنش جامعه بین‌المللی به نسل کشی بوسنی با انجام نشدن کاری قاطع در اوایل درگیری مشخص شد. یک ماموریت حافظ صلح سازمان ملل متحد، در بوسنی مستقر شد، اما در برقراری صلح و حفاظت از UNPROFOR غیرنظامیان با چالش‌هایی روبرو بود.

کشتار سال ۱۹۹۵ سربرنیتسا، که در آن نیروهای صرب بوسنی هزاران مرد و پسر بوسنیایی را کشتند، یکی از بدنام‌ترین وقایع در طول نسل کشی باقی مانده

در نهایت توافقنامه دیتون که در سال ۱۹۹۵ امضا شد، به جنگ بوسنی پایان داد و ساختار سیاسی فعلی را در بوسنی و هرزگوین ایجاد کرد. با این حال، کشور همچنان عمیقاً همون بحث‌های قومیتیه و هنوز انگار ماجرای تلخی که تعریف کردم باعث اتحاد این مردم نشده

به رسمیت شناختن نسل کشی بوسنی یک روند طولانی و بحث برانگیز بوده برای محاکمه (ICTY) است. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق مسئولین جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل کشی تأسیس شد. چندین نفر از جمله رادوان کاراجیچ و راتکو ملادیچ به دلیل نقش داشتن در نسل کشی محکوم شدند. با این حال، به رسمیت شناختن نسل کشی، به ویژه در جمهوری صربسکا جایی که مردم عمدتاً صرب در بوسنی و هرزگوین زندگی میکنند، یک موضوع پیچیده و حساسه

نسل کشی دارفور

نسل کشی دارفور یک بحران انسانی مداوم و فصلی عمیقاً غم انگیز در تاریخ سودان است. این نسل کشی که در سال ۲۰۰۳ شروع شد، منجر به آوارگی، رنج و مرگ صدها هزار نفر به ویژه از ۳ گروه قومی مختلف شده است

درگیری در دارفور، منطقه ای در غرب سودان، ریشه‌های تاریخی عمیقی از جمله تنش‌های قومی و قبیله‌ای، اختلافات زمینی و کمبود منابع دارد. درگیری در سال ۲۰۰۳ وقتی که گروه‌های شورشی دارفوری که از به حاشیه راندن اقتصادی و سیاسی توسط دولت سودان ناامید شده بودند، علیه دولت در خارطوم سلاح به دست گرفتن تشدید شد.

علل نسل کشی دارفور پیچیده است، اما این بحران ریشه در تاریخچه حاشیه نشینی و تبعیض دارد. دولت سودان که عمدتاً عرب و مسلمونن، به حمایت از شبه نظامیان عرب موسوم به جنجاوید و بی توجهی به نیازهای گروه‌های قومی غیر عرب در دارفور متهم شده است. شورش گروه‌های قومی غیر عرب علیه این حاشیه‌نشینی به واکنش وحشیانه دولت منجر شد.

دولت سودان و شبه نظامیان جنجاوید متحد آن به ارتکاب جنایات گسترده علیه جمعیت غیر عرب دارفور متهم شدن. این جنایات شامل کشتار دسته جمعی، خشونت جنسی، آوارگی اجباری، و تخریب روستاها است. اقدامات دولت و جنجاوید به طور گسترده به عنوان نسل کشی توصیف شده است.

تخمین‌ها در مورد تعداد تلفات متفاوت، اما اعتقاد بر اینه که صدها هزار نفر در نتیجه خشونت، بیماری و سوء تغذیه جون خودشون را از دست دادن. میلیون‌ها

نفر از خانه‌های خود آواره شده اند و به اردوگاه‌های آوارگان داخلی یا در کشورهای همسایه پناه بردن.

واکنش بین المللی به نسل کشی دارفور با تلاش‌های پیچیده دیپلماتیک، فقط مک‌های بشردوستانه و استقرار نیروهای حافظ صلح بوده.

در سال ۲۰۰۴ مأموریتی را در دارفور تأسیس کرد که بعداً (AU) اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۷ توسط هیئت سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا در دارفور جانشین آن شد (UNAMID).

وضعیت در دارفور همچنان شکننده و پیچیده است. خشونت به شکل قبل نیست و در سال‌های اخیر کمتر شده ولی خیلی از آوارگان هنوز در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند و مسائل مربوط به آشتی، امنیت و بازگشت جمعیت‌های آواره همچنان ادامه دارد.

به رسمیت شناختن نسل کشی دارفور موضوع بحث است. در حالی که دیوان کیفری بین‌المللی گام‌هایی برای پاسخگویی افراد در قبال اقدامات خود برداشته است، هنوز هم اختلاف نظر ادامه دارد و دولت سودان ابعاد این جنایات را انکار می‌کند.

تو این چند سال تمرکز روی چشم‌انداز سیاسی گسترده‌تر سودان بوده و

تلاش‌هایی با هدف ایجاد ثبات در کشور و دستیابی به صلح، این چشم‌انداز رو
برای آینده سودان بهتر کرده. البته نه خیلی زیاد واقعا

نسل‌کشی دارفور تأثیر عمیقی بر منطقه داشته. میلیون‌ها نفر را آواره کرده، رنج
گسترده‌ای را به بار آورده و به بی‌ثباتی در سودان کمک کرده. حتی پرداختن
به چنین درگیری‌های پیچیده و طولانی و نیاز به تلاش‌های دیپلماتیک،
کمک‌های بشردوستانه و مداخله بین‌المللی برای محافظت از غیرنظامیان در
مناطق درگیری رو هم به چالش کشیده

نسل‌کشی نانکینگ

کشتار نانکینگ، که به عنوان تجاوز به نانکینگ هم شناخته می‌شه، به عنوان یکی
از وحشتناک‌ترین و وحشیانه‌ترین قسمت‌های خشونت جمعی در تاریخ مدرن
به شمار میره. نسل‌کشی که در طول جنگ دوم چین و ژاپن از سال ۱۹۳۷ تا
۱۹۳۸ اتفاق داد، فصل تاریکی را در روابط چین و ژاپن رقم زد. کشتار نانکینگ
شامل جنایات گسترده‌ای بود که توسط ارتش امپراتوری ژاپن بعد از تصرف
شهر نانکینگ (نانجینگ فعلی) در ۱۳ دسامبر ۱۹۳۷ انجام شد

جنگ دوم چین و ژاپن در سال ۱۹۳۷ شروع شد، درست وقتی که ژاپن، به دنبال گسترش قلمروش، به چین حمله کرد و نانکینگ که در آن زمان پایتخت چین بود، به میدان جنگ اصلی تبدیل شد.

علل قتل عام نانکینگ ریشه در تنش‌های تاریخی دیرینه بین چین و ژاپن دارد. شور ناسیونالیستی و ملیتاریسم در ژاپن، همراه با جاه طلبی‌های امپراتوری و دیدگاه غیرانسانی چینی‌ها، به وحشیگری شدیدی که در نانکینگ شاهد بودیم، کمک کرد.

بعد از سقوط نانکینگ، ارتش امپراتوری ژاپن، به فرماندهی ژنرال ایوان ماتسوی، یک کمپین خشونت سیستماتیک علیه جمعیت چین به راه انداخت. سربازانی که در قتل عام، تجاوز جنسی، غارت و کارهای وحشیانه شرکت داشتند. این جنایات نه تنها علیه سربازان، بلکه غیرنظامیان از جمله زنان، کودکان و افراد مسن را هم هدف قرار داده بود.

اندازه گیری دقیق مقیاس کشتار نانکینگ خیلی سخته. اما تخمین‌ها از تعداد غیرنظامیان چینی و سربازان خلع سلاح شده توسط نیروهای ژاپنی از چند هزار تا چند صد هزار نفره. وحشیگری و سادیسمی که توسط سربازان ژاپنی به نمایش

گذاشته شد، با گزارش هایی از اعدام های دسته جمعی، تجاوز جنسی، و سایر اعمال خشونت آمیز بی سابقه بود.

جامعه بین المللی با تلاش روزنامه نگاران خارجی، مبلغان و پرسنل دیپلماتیک حاضر در چین از کشتار نانکینگ با خبر شد.

این اطلاعات، همراه با گزارش های شاهدان عینی و عکس ها، شروع به انتشار در سطح جهانی کرد. با این حال، واکنش جهانی محدود بود، تا حدی به دلیل شرایط ژئوپلیتیک آن زمان، خیلی از کشورها به این موضوع توجه خاصی نکردن.

بعد از جنگ، قتل عام نانکینگ به محل اختلاف چین و ژاپن تبدیل شد. رویدادهای قتل عام تا حد زیادی در ژاپن کم اهمیت جلوه داده شد، جایی که احساسات ملی گرایانه اغلب به دنبال تجدید نظر یا انکار کردن این جنایات بودند. اما در چین، خاطره کشتار نانکینگ به نماد مقاومت و مقاومت تبدیل شد. قتل عام نانکینگ تأثیر عمیقی بر قربانیان و خانواده های آنها و همینطور بر حافظه جمعی چین و ژاپن داشت. زخم های عمیقی بر آگاهی تاریخی هر دو ملت گذاشت و تا به امروز بر روابط آنها تأثیر داشته. وقایع کشتار نانکینگ حتی به

گفتمان جهانی درباره جنگ و جنایات جنگی و مسئولیت کشورها در قبال کارهایی که توسط نیروهای نظامی انجام میشه کمک کرده

نسل کشی روهینگیا

نسل کشی روهینگیا که از سال ۲۰۱۷ شروع شده، یک بحران عمیقاً نگران کننده و انسانی که به دلیل آزار و اذیت شدید و سیستماتیک اقلیت مسلمان روهینگیا در میانمار (برمه) توجه بین المللی را به خود جلب کرده است. وضعیت اسفبار مردم روهینگیا که دهه ها با تبعیض و خشونت روبرو بودن، در اوت ۲۰۱۷ درست وقتی که ارتش میانمار در پاسخ به حملات شورشیان روهینگیا سرکوب وحشیانه ای رو شروع کرد، به نقطه حساسی رسید

این وضعیت از آن زمان با جنایات جمعی، از جمله قتل های گسترده، خشونت جنسی، و آوارگی اجباری شروع شده؛ چیزی که خیلی از کارشناسان و سازمان های بین المللی آن را نسل کشی می دانند

روهینگایی ها برای دهه ها در میانمار با آزار و اذیت روبرو بودن و سیاست های تبعیض آمیز و خشونت در طول زمان شدیدتر هم شده

دولت میانمار که مدت ها شهروندی و حقوق اولیه روهینگیا را رد کرده، آنها را با وجود حضور تاریخی در منطقه، مهاجران غیرقانونی بنگلادش می داند

ریشه‌های نسل‌کشی روهینگیا رو میشه عمیقاً در تنش‌های قومی و مذهبی،
ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه و قدرت سیاسی در میانمار جستجو کرد.
امتناع دولت از به رسمیت شناختن روهینگیاها به عنوان شهروند و تبلیغ احساسات
ضد روهینگیا باعث ایجاد جو تبعیض و خشونت شده است.
ارتش میانمار یا تاتمادو متهم به انجام یک کارزار خشونت آمیز سیستماتیک علیه
جمعیت روهینگیا شده. گزارش‌ها شامل قتل‌های دسته‌جمعی، تجاوزهای
گروهی، دستگیری‌های خودسرانه و آتش زدن و سوزوندن روستاهاست. همه
اینکارها از طرف ارتش با هدف نسل‌کشی و نابودی جامعه روهینگیا توصیف
شده.

ابعاد جنایات در نسل‌کشی روهینگیا خیره‌کننده است. هزاران غیرنظامی
روهینگیا از جمله زنان، کودکان و سالمندان کشته شده‌اند و تعداد بسیار زیاد
دیگه‌ای هم مورد خشونت جنسی قرار گرفتن. صدها هزار نفر به اجبار آواره شده
اند و به دنبال پناهندگی در همسایه بنگلادش و کشورهای دیگر هستند. سازمان
ملل از این وضعیت به عنوان «نمونه کتاب درسی پاکسازی قومی» یاد کرده است.
جامعه بین‌المللی این نسل‌کشی و این جنایات را محکوم کرده! سازمان‌های
حقوق بشر، از جمله سازمان ملل و عفو بین‌الملل، این جنایات را مستند کردن و

آنها را جنایت علیه بشریت و نسل کشی می‌دونن. اما با این حال، این واکنش به دلیل ملاحظات ژئوپلیتیکی و نبود تلاشی متحد در سطح بین‌الملل، رسیدگی به بحران رو پیچیده کرده.

روهنگایی‌هایی که از میانمار فرار کردن حالا در کمپ‌های پرجمعیت پناهجویان در بنگلادش زندگی می‌کنند و با شرایط وخیم انسانی روبروان دولت میانمار به ممانعت از تلاش‌ها برای برگردوندن روهینگیا و ایجاد شرایط مساعد برای بازگشت امن آنها متهم شده است.

به رسمیت شناختن نسل کشی روهینگیا محل مناقشه بوده است. در حالی که بعضی از رهبران و سازمان‌های بین‌المللی به صراحت از آن به عنوان نسل کشی یاد می‌کنند، بعضی دیگر محتاط‌تر عمل می‌کنن.

نسل کشی روهینگیا تأثیر عمیق و ماندگاری بر جامعه روهینگیا و همچنین بر پویایی منطقه داشته است. این بیانیه بر نیاز فوری به اقدام بین‌المللی برای جلوگیری و پاسخ به جنایات و همین‌طور اهمیت رسیدگی به علل ریشه‌ای تبعیض و آزار و اذیت تأکید کرده.

نسل کشی روهینگیا یک بحران غم‌انگیز و مداوم حقوق بشریه که توجه و اقدامی بین‌المللی را میطلبد. فهمیدن و درک کردن اوضاع وخیم، پاسخگویی

مسئولین، و رسیدگی به مسائل گسترده تر تبعیض و عدم مدارا، گام های مهمی
در جهت عدالت و جلوگیری از چنین جنایاتی در آینده است

اینها فقط بخشی از نسل کشی هایه که در جهان اتفاق افتاده. توی این ویدیو نشد
که به همشون برسیم و شاید در یه ویدیوی دیگه به نسل کشی هایی مثل نانکینگ
و امثالهم پردازم. اما به هر حال جهان جای عجیبی شده برای زندگی. عجیب و
ترسناک